

مقایسه عملکرد خانواده از دیدگاه قرآن (آیه ۲۱ سوره روم) در میان زنان متقاضی طلاق و زنان غیر متقاضی شهر اراک

e_salimi84@yahoo.com

الهه سلیمی / کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

محمد کلاتر کوشه / استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

mahmoud.golzari@gmail.com

محمود گلزاری / دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۰

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی وضعیت هویت معنوی ادراک شده، در اوایل بزرگسالی میان دانشجویان مسلمان ایرانی است. بدین منظور، از طریق روش نمونه‌گیری نظری، ۲۰ دانشجوی ۱۸ تا ۲۹ سال از دانشگاه تهران انتخاب، و به صورت انفرادی، مورد مصاحبه قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها، به وسیله مصاحبه عمیق و مبتنی بر طرح کیفی نظریه زمینه‌ای انجام شده است. نتایج نشان داد که می‌توان وضعیت هویت معنوی، در اوایل بزرگسالی را به پنج مقوله انتخابی تقسیم کرد: هسته‌های شناختی معنویت (اعتقاد به قدرت متعالی، هدفمندی هستی، جبران اعمال، فطرت، دین)؛ رابطه متعالی با عناصر (تعالی رابطه‌ای با خدا، ائمه، دیگران، خود، طبیعت)؛ رفتار اخلاقی - ارزشی؛ محاسبه و رسالت؛ سنن دینی. با توجه به داده‌ها، می‌توان گفت: هویت معنوی نوعی برقراری ارتباط آگاهانه یا ناآگاهانه با جهان هستی، مبتنی بر هسته‌های شناختی متعالی شکل گرفته در ذهن است که منجر به انتخاب پویا و عامل رفتار اخلاقی ارزشمند، هدفمندی حیات و تعهد به سنن دینی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هویت معنوی، اوایل بزرگسالی، نظریه زمینه‌ای.

مقدمه

از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع انسانی، خانواده و مسائل مربوط به آن است؛ زیرا اگر خانواده سست و لرزان باشد، این سستی و تزلزل به میزان وسعت قلمرو خانواده گسترش می‌یابد. از جمله پیامدهای سوء تزلزل در خانواده، «طلاق» است. در بررسی علت طلاق، افزون بر عوامل اجتماعی و روان‌شناختی (گاتمن و لونسون، ۲۰۰۰؛ میلر و همکاران، ۲۰۰۳؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹؛ ساروخانی، ۱۳۷۷، ص ۵۹)، عملکرد خانواده است. از این‌رو، بسیاری از خانواده درمانگران در تلاشند عوامل مؤثر در عملکرد خانواده را شناسایی کنند تا بتوانند سلامت روانی خانواده را تأمین کنند (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱). در تعریف «عملکرد خانواده» گفته می‌شود: عملکرد خانواده تلاش مشترکی برای برقراری و حفظ تعادل در خانواده است (ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۱). عملکرد خانواده به توانایی در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارض‌ها، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده است (کدیور و همکاران، ۱۳۸۳).

در باره کارکرد خانواده، الگوهای گوناگونی از جمله الگوی سیستمی میلان، الگوی ساختی مینوچین، الگوهای راهبردی هی لی، الگوی رفتاری مک‌مستر، الگوی چند تخصصی اولسون و همکاران، و الگوی بیورز ارائه شده است (بهاری و صابری، ۱۳۸۳؛ مینوچین و فیشرمن، ۱۳۸۴، ص ۱۵؛ زاده‌محمدی و ملک خسروی، ۱۳۸۵؛ بارکر، ۱۳۸۲، ص ۷۳). پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که کیفیت عملکرد خانواده در ایجاد رضایت زناشویی، صمیمیت زناشویی، تعارض‌های زناشویی و طلاق مؤثر است (قمری گیوی و همکاران، ۱۳۹۱؛ بخشی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱؛ الکرناوی، ۲۰۱۲).

در کنار الگوهای ارائه شده از عملکرد خانواده، سنجش و ارزیابی عملکرد خانواده در هر جامعه‌ای، ابزاری مبتنی بر فرهنگ و عقاید آن جامعه را می‌طلبد. از این‌رو، زندگی در جامعه اسلامی و ایرانی نیز از این قاعده مستثنا نیست و وجود الگویی مبتنی بر فرهنگ و عقاید آن را ضروری می‌نماید. تعالیم اسلام درباره چگونگی روابط اعضای خانواده و مسئولیت‌های متقابل آنها، توصیه‌های الزامی و اخلاقی فراوانی دارد که در تحکیم پایه‌های خانواده نقش اساسی دارد (سالاری‌فر، ۱۳۸۸، ص ۵۵).

خداوند برای رسیدن انسان به یک خانواده پویا، خوشبخت، و متکامل، اصولی را بیان می‌کند که در تقریر مطلب، می‌توان از آیه ۲۱ سوره روم مدد گرفت: «از نشانه‌های او، این است که برای شما از [جنس] خودتان همسرانی بیافرید تا بدیشان آرام گیرید، و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. هر آینه در این کار، برای

مردمی که بیندیشند نشانه‌ها و عبرت‌هاست». آرامش مورد نیاز زن و شوهر و اساس خانواده با دو اصل «مودت» و «رحمت» تأمین شده است. بنابراین، سه عملکرد خانواده از دیدگاه قرآن کریم در سوره روم را می‌توان، «سکون، مودت و رحمت» دانست که در جدول ۱ به مؤلفه‌های مذکور، توجه شده است.

قرآن کریم در آیه مزبور مسئله آفرینش مرد و زن و پیوند میان آنها را بررسی کرده، از تأمین نیازهای عاطفی - روانی زن و مرد به عنوان هدف از آفرینش آنها یاد کرده است. خداوند در این آیه، این واقعیت را بیان کرده است که از یک نفس همسر او آفریده شد تا به سکونت برسد: (لَتَسْكُنُوا آلِهًا). «سکن» در لغت، به معنای آرام گرفتن (بندر بیگی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۰)، استقرار و ثبوت است که در مقابل حرکت قرار می‌گیرد و این شامل استقرار و ثبوت مادی و معنوی، ظاهری و باطنی می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۸۹). خداوند می‌فرماید: «لَتَسْكُنُوا آلِهًا» و نمی‌فرماید: «لَتَسْكُنُوا عندها»؛ زیرا «سکن عنده» سکون جسمی را می‌رساند، از آن‌رو که کلمه «عند» ظرف مکان است و برای اجسام آورده می‌شود. اما «سکن الیه» شامل سکون جسمی و روحی می‌شود (رازی، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۱۱۰). از این‌رو، «لَتَسْكُنُوا» مطلق است و شامل هرگونه آرامش و سکون می‌شود؛ چراکه پیوند زناشویی میان زن و مرد، سبب برطرف شدن نقص هر یک و رسیدن هر دو به کمال می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

به هر حال، این آرامش، هم از نظر جسمی است و هم از نظر روحی، هم از جنبه فردی است و هم اجتماعی (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۳۹۲). از این‌رو، یکی از عوامل سکون، تأمین نیازهای جسمی و به نوعی ارضای نیازهای اولیه است. آب، غذا، لباس و مسکن از بدیهی‌ترین نیازهای انسان برای ادامه حیات هستند؛ زیرا یکی از عوامل آرامش زندگی برخوردار از جسم و جان سالم است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۹۳)، و چون انسان نمی‌تواند به تنهایی آنها را فراهم سازد، او را به سوی دیگر هموعان خود می‌برد. بنابراین، تنها راه ادامه حیات انسان زندگی در اجتماع است که این اجتماع از خانواده آغاز و به سطح قوم و ملت و جامعه بین‌المللی کشیده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۳۳).

پژوهش‌های گوناگون نیز اهمیت ارضای نیازهای اولیه و امرار معاش را در روابط زناشویی نشان می‌دهند. برای مثال، حبیب‌پور و نازک‌تبار (۱۳۹۰) در پژوهش خود، یکی از عوامل تأثیرگذار بر نرخ طلاق را مشکلات اقتصادی عنوان نموده‌اند. همچنین یافته‌های ماتسورا و همکاران او (۲۰۰۹) نشان داد وضعیت اقتصادی و بیکاری یکی از عوامل مهم در افزایش نرخ طلاق است. تحقیق روبیلا و کریشنا کومار (۲۰۰۵) نیز نشان داد که سطوح بالای فشار اقتصادی با تعارض‌های زناشویی بیشتر در ارتباط است. فشارها و مشکلات اقتصادی از قبیل بیکاری و نداشتن درآمد، و درآمد پایین ممکن است

موجب فشار، خصومت، تیرگی روابط زناشویی و در نهایت، طلاق گردد (سات و سپیتز، ۱۹۸۶؛ هافمن و دانکن، ۱۹۹۵؛ ریحانی و عجم، ۱۳۸۱). همچنین مانس‌فیلد و همکاران او (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که درآمد پایین با رضایت کمتر از عملکرد خانواده در ارتباط است.

ارضای نیازهای جنسی از دیگر عوامل سکون است. هنگامی که گزینه جنسی انسان ارضا و از هیجان آن کاسته می‌شود انسان به آرامش دست می‌یابد. فضای محدود و امن خانه حریمی برای ابراز احساسات، بیان اسرار، ارضای غرایز و تأمین نیازهای جسمی و روحی انسان است (حسینی، ۱۳۸۳). انسان در پی ارضای نیاز جنسی، ازدواج می‌کند و جمع بزرگتری را تحت عنوان «خانواده» را تشکیل می‌دهد تا از این طریق، قادر به ارضای نیازهای جنسی خود و مشروعیت بخشیدن به آن به‌واسطه حس تعلق و مالکیت باشد (کلارک- استوارت و برناتو، ۲۰۰۶، ص ۲۶).

تحقیقات متعددی که درباره عوامل مرتبط با ازدواج انجام گرفته است، نشان می‌دهد که مسائل جنسی از لحاظ اهمیت، در ردیف مسائل درجه اول زوجین قرار دارد (شفیع‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۹). در پژوهشی که توسط فروتن و جدید میلانی (۱۳۸۷) صورت گرفت، نتایج نشان داد که ۶۶/۷ درصد از مردان متقاضی طلاق و ۶۸/۴ درصد از زنان متقاضی طلاق از زندگی جنسی با همسرانشان راضی نبودند. هنری و میلر (۲۰۰۴) مشکلات جنسی را با فراوانی ۲۳/۸ درصد از رایج‌ترین مشکلات زناشویی ذکر کرده‌اند. به‌طور کلی، مشکلات مربوط به رابطه جنسی می‌تواند تأثیرات سوئی بر تعهد زناشویی، سازگاری زناشویی و رضایت زناشویی بگذارد و سبب ایجاد مشکلات زناشویی و در نهایت، طلاق شود. در این زمینه، می‌توان به تحقیقات شاه‌سیاه و همکاران (۱۳۸۷)، علی‌اکبری و همکاران (۱۳۹۱)، کیسا و همکاران (۲۰۱۴)، میلر و همکاران (۲۰۱۴) و همچنین یافته‌های شاکریان و همکاران (۲۰۱۴) و بوالهروی و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد.

کارکرد ارضای نیازهای جنسی در زندگی لازم است، ولی کافی نیست، زیرا با افزایش سن زن و شوهر، گزینه به تحلیل رفته، ضعیف می‌شود. در نتیجه، امکان فروپاشی خانواده بیشتر است. از این‌رو، خداوند مراحل کامل‌تری را برای کارکرد خانواده قایل است. دو عملکرد دیگر در این آیه شریفه، «مودت» و «رحمت» است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۶۸).

«ودّ» در لغت، به معنای محبت، دوست داشتن و علاقه آمده است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۵۰). «مودت» محبت عمیق و ریشه‌داری است که تمام وجود را دربر می‌گیرد و نشانه‌های آن در رفتار و گفتار نمایان می‌گردد. «مودت»، محبت لبریز شده، ریشه‌دار و نشان‌دار است (آقاتهرانی و حیدری

کاشانی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲). «مودت» به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد؛ یعنی اظهار علاقه به صورتی که طرف مقابل متوجه این محبت و علاقه شود و نوعی تأثیر متقابل در وی بگذارد و به صورت یک کشش و واکنش بین دو طرف ادامه یابد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۷۲). از این رو، مودت، هم شامل ابراز محبت کلامی (زبانی) می‌شود و هم ابراز محبت غیرکلامی (عملی) و امری دو طرفه و تعاملی است. در زمینه ابراز محبت زبانی و تأثیر عمیق آن به‌ویژه بر زنان، در اسلام سفارش‌های زیادی شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «سخن مرد به همسرش که دوست دارم، هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود» (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۰، ص ۲۳). ابراز محبت در کلام کفایت نمی‌کند و محبت باید در رفتار فرد نیز تجلی یابد. آیین اسلام بر ابراز محبت غیرکلامی نیز تأکید کرده و احترام، هدیه گرفتن، نوازش کردن و بوسیدن را راه‌هایی برای ابراز محبت معرفی می‌کند (محدثی، ۱۳۸۸، ص ۷۹). پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «نشستن مرد نزد همسرش، نزد خداوند از اعتکاف در مسجدالنبی برتر است» (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ص ۷۶).

تحقیقات متعددی ارتباط بین متغیرهای مربوط به بعد مودت را با روابط زناشویی نشان داده است. برای مثال، در تحقیقی که توسط آسنت و همکاران او (۲۰۱۴) صورت گرفت، نبود عشق و محبت کافی به عنوان یکی از علل اصلی طلاق عنوان شد. در پژوهش‌ها *النا* و همکاران او (۲۰۱۱)، نتایج نشان داد که احساسات مثبت (مثل محبت) و منفی (مثل تحقیر) شریک زندگی در تعاملات مثبت (مثل عشق) و منفی (مثل تعارض)، به عنوان یک پیشگوی منحصر به فرد از کیفیت و ثبات روابط، هم برای زن و هم شوهر است. طبق پژوهش *گاتمن* (۱۹۹۶)، ابراز فعالانه محبت و سایر عواطف مثبت با تداوم رضایتمندی از رابطه، در ارتباط است. در مقابل، الگوهای دیگر از قبیل اهانت، بی‌زاری، ترس یا کناره‌گیری از همسر، پیش‌بینی‌کننده فروپاشی رابطه بوده و گام‌هایی در جهت جدایی هستند. *خالیدی* و همکاران او (۱۳۹۳)، در تحقیق خود نشان دادند که احترام، عشق، عدم تحقیر، رابطه جنسی مطلوب و بخشش و گذشت، از جمله عوامل مهمی هستند که منجر به افزایش رضایت زناشویی و پایداری زندگی مشترک می‌شوند. *دانش و حیدریان* (۱۳۸۵) در مطالعه خود، به نتایج ذیل دست یافتند: همسرانی که از میزان علاقه و احترام بیشتری از همسرشان برخوردارند، رضایت زناشویی بیشتری دارند و بین احترام و علاقه متقابل همسران همبستگی مثبتی وجود دارد. در تحقیقی نیز که با عنوان *عملکرد خانواده موفق ایرانی* صورت گرفت، نتایج نشان داد که از جمله ویژگی‌های زوجین موفق این است که دوستان خوبی هستند و به یکدیگر احترام می‌گذارند (آسوده و همکاران، ۲۰۱۱).

«رحمت» به معنای دلسوزی و عاطفه ورزیدن و مغفرت و بخشایش است (فیروزآبادی، بی‌تا، ص ۱۱۹؛ بندر ریگی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۵) که امری یک‌جانبه و ایثارگرانه است و شامل دو بعد «همیاری و کمک موقع عدم توانایی همسر» و «بخشش و چشم‌پوشی از خطا» می‌شود. رحمت ثمرهٔ یک رابطهٔ عاطفی به کمال رسیده و مکمل مودت است. گاه رابطه از طرف یکی از زوجین آسیب می‌بیند؛ مثلاً، هنگام بروز خطا و اشتباه یا هنگام بیماری و کاهش توان زوجین. آنچه سبب بهبود رابطه می‌گردد بعد رحمت است که در آن طرف مقابل با کمک ایثارگرانه یا گذشت و چشم‌پوشی از خطا، رابطه را ترمیم می‌کند. توانایی بخشش همسر می‌تواند به عامل پابرجایی رابطه و افزایش رضایت زناشویی منجر گردد (باکوس، ۲۰۰۹). مهم‌ترین تأثیر بخشش، کمک به بهبود کیفیت ارتباطات و مناسبات بین‌فردی است (لینلی و جوزف، ۲۰۰۴). در آموزه‌های اسلامی، بر عفو و گذشت تأکید فراوانی شده است. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «کسی که به تو بدی کرده است، تو در قبالتش خوبی کن» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۳۶۵).

تحقیقات متعددی رابطهٔ بین بخشودگی و متغیرهای مربوط به روابط زناشویی را سنجیده‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره شده است. اما محقق، تحقیقی با عنوان «همیاری و مشارکت هنگام ناتوانایی همسر» یافت نکرد و تحقیقات در این زمینه بیشتر مربوط به همکاری و کمک در امور منزل است که توصیف جامعی از بعد رحمت به‌شمار نمی‌آید.

پژوهش‌های فینچام و استون (۲۰۰۴)، باسکین و اینرایت (۲۰۰۴)، فینچام و همکاران (۲۰۰۲)، اورتینکال و وانستین وگن (۲۰۰۶)، و رحیمی و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد که آموزش بخشودگی افزایش رضایت و سازگاری زناشویی و حل تعارض‌های زندگی مشترک را موجب می‌شود.

پژوهش اقدامی و حسین چاری (۱۳۸۴) حاکی از وجود رابطهٔ مثبت همکاری مردان در امور خانه و رضایت از روابط زناشویی بود. پورتاش (۱۳۸۴) نیز در تحقیق خود عنوان کرد: یکی از عوامل مهمی که زنان به‌عنوان عامل اختلاف با همسرشان عنوان می‌کنند، همکاری نکردن همسر در رسیدگی به امور منزل است.

در قرآن کریم، این مودت و رحمت غیر از گرایش غریزی نر و ماده است که در حیوان‌ها هم وجود دارد و از گرایش شهوی حیوان‌ها به عنوان آیهٔ الهی یاد نشده است و بر آن اصراری دیده نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۴۸). «مودت» بعد معنوی پیوند و «رحمت» جنبهٔ عملی آن است. «مودت و محبت» حالتی است که شخص خود به آن احتیاج دارد و «رحمت» حالتی است که دیگران به آن نیازمندند (رازی، بی‌تا، ج ۹، ص ۹۲). «مودت»، گرایش است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، جلسه ششم) و به صورت دو طرفه بین زن و شوهر وجود دارد، و حال آنکه رحمت امری یک‌جانبه و

ایثارگرانه است. هم جنبه حمایت و کمک‌رسانی در رحمت نهفته است و هم جنبه بخشش؛ یعنی اگر یکی از زوجین دچار خطا و اشتباهی شد، به جای تنبیه و انتقام‌جویی، همسر با روحیه رحمت، عفو و اغماض برخورد کند تا هدف و فلسفه ازدواج تحقق پیدا کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۶، ص ۳۹۲). مودت و رحمت، زن و شوهر را وادار می‌کند تا به یکدیگر محبت کنند و در تنهایی‌ها یار هم باشند. هنگامی که شهوت از بین می‌رود و ظاهراً رابطه زوجیت دیگر معنایی ندارد، این رحمت است که موجب تحکیم بیشتر پایه‌های خانواده می‌شود (نظری توکلی، ۱۳۸۹).

جدول ۱. کارکرد خانواده از دیدگاه قرآن

مؤلفه‌ها	کارکرد خانواده از دیدگاه قرآن (آیه ۲۱ سوره روم)
ارضای نیازهای اولیه ارضای نیازهای جنسی	سکون
ابراز محبت کلامی ابراز محبت غیرکلامی	مودت
همیاری و مشارکت موقع هنگام ناتوانی همسر بخشش و چشم‌پوشی از خطا	رحمت

باید توجه داشت که در تمام جوامع، ازدواج یکی از عوامل مهم رشد افراد به شمار می‌رود، به گونه‌ای که تأثیر خانواده بر فرد در سراسر زندگی باقی می‌ماند. از این رو، به نظر می‌رسد مطالعات گسترده به منظور یافتن رویکردی مناسب با توجه به بافت فرهنگی - اسلامی برای افزایش رضایت زناشویی، بالا بردن احساس همبستگی زوجین، ارائه راهبردهای مناسب ارتباطی به همسران و فعال کردن نقش خودالتیام‌بخشی خانواده، ضروری و پیشگیری‌کننده بسیاری از مسائل و مشکلات آتی از جمله طلاق است. با توجه به آمار روزافزون طلاق در ایران و شهر اراک، که بر اساس گزارش سازمان ثبت احوال ایران از هر هفت ازدواج یکی به طلاق منجر می‌شود (عبدی و همکاران، ۱۳۹۱) و پیامدهای منفی آن بر زنان مطلقه و با این استنباط از آیات قرآنی، که قواعد عملکرد خانواده می‌تواند در نیل به رضایتمندی زناشویی مؤثر باشد، در این پژوهش سعی شده تا با استفاده از منبع هدایت بشریت «قرآن»، که پیروی از آن تضمین‌کننده سلامت بشر در همه ابعاد زندگی است، مؤلفه‌های عملکرد خانواده سالم «سکون، مودت و رحمت» در بین زنان متقاضی طلاق و زنان غیرمتقاضی بررسی شود و با مطالعه تفاوت‌های موجود در عملکرد خانواده‌های متقاضی و غیرمتقاضی، عوامل مؤثر در بهداشت روانی افراد شناسایی شود و در نهایت بتوانیم راهکاری کارساز برای کاهش این معضل و زمینه‌ای برای ایجاد جامعه سالم بیابیم. همچنین لازم به ذکر است که زندگی کردن در یک جامعه اسلامی و ایرانی، می‌طلبد که راهکاری متناسب با فرهنگ جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و مطابق با اعتقاداتمان بیابیم.

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر، «کیفی» و از نوع «تحلیل محتوا» است. جامعه آماری این پژوهش دو گروه از زنان را دربر دارد: گروه اول زنان متقاضی طلاق که به مرکز بهزیستی شهر اراک مراجعه کرده‌اند، و گروه دوم زنان غیرمتقاضی طلاق که یا از همراهان افراد متقاضی طلاق بودند و یا در مراکز تفریحی و اماکن عمومی حضور داشتند. نمونه‌گیری به روش هدفمند صورت گرفت. با مراجعه به مرکز بهزیستی و اماکن عمومی، نمونه‌ای که با پژوهش مطابقت داشت انتخاب گردید. معیار ورود شرکت‌کنندگان در مصاحبه، سن (بین ۲۴ تا ۳۹ سال)، تحصیلات دیپلم تا کارشناسی ارشد، مدت ازدواج ۱ تا ۱۰ سال، تعداد فرزند ۲ و کمتر از ۲ برای هر دو گروه در نظر گرفته شد.

همچنین به منظور رعایت اخلاق پژوهش، به شرکت‌کنندگان گفته شد که هویت آنها در مورد مصاحبه محرمانه باقی می‌ماند. مصاحبه با شرکت‌کنندگان تا حد اشباع اطلاعات ادامه یافت که این امر (اشباع اطلاعات) با ۱۲ شرکت‌کننده (۱۲ متقاضی طلاق و ۱۲ غیرمتقاضی طلاق) حاصل شد. بنابراین، نمونه شامل ۱۲ زن متقاضی طلاق و ۱۲ زن غیر متقاضی طلاق است.

ابزار پژوهش

مصاحبه نیمه ساختاریافته عملکرد خانواده از دیدگاه قرآن: سؤالات با توجه به معنای آیه ۲۱ سوره روم و تفاسیر موجود با نظارت چند تن از استادان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی طرح شد. در پرسش‌نامه طراحی شده (با توجه به آیه ۲۱ سوره روم) سه بعد «سکون»، «مودت» و «رحمت» برای سنجش عملکرد خانواده ارزیابی شد و مبنای ارزیابی عملکرد خانواده در دو گروه متقاضی طلاق و غیرمتقاضی نوع پاسخی است که مصاحبه‌شوندگان به پرسش‌ها داده‌اند، بدین صورت که اگر جواب به سؤال‌های پرسیده شده بر وجود سکون، مودت و رحمت دلالت داشته باشد، عملکرد خانواده «سالم»، و اگر جواب‌ها حاکی از فقدان سکون، مودت و رحمت باشد، عملکرد «ناسالم» برای خانواده در نظر گرفته می‌شود.

نمونه‌ای از سؤالات پرسش‌نامه به این صورت است: بعد سکون: چقدر از نیازهای شما (مثل نیاز به آرامش)، به وسیله همسران ارضا می‌شود؟ چقدر از بودن در کنار همسران احساس آرامش می‌کنید؟ بعد مودت: روابط عاطفی شما با همسران در خانه چگونه است؟ از نحوه ابراز احساس همسران درباره خودتان بگویید؟ نوع رفتار همسران با شما چگونه بود؟ بعد رحمت: همیاری همسران را در کارهای خانه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ واکنش همسران در مقابل اشتباهات شما چگونه است؟

یافته‌های پژوهش

در جدول ۲، برخی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مربوط به نمونه ارائه شده است تا با ویژگی‌های نمونه تحت مطالعه آشنایی بیشتری حاصل گردد:

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه

غیرمتقاضی طلاق		متقاضی طلاق		متغیر	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۵۸/۳٪	۷	۶۶/۶٪	۸	۲۴-۳۱	سن
۴۱/۶٪	۵	۳۳/۳٪	۴	۳۲-۳۹	
۴۱/۶٪	۵	۴۱/۶٪	۵	بدون فرزند	تعداد فرزند
۵۰٪	۶	۵۸/۳٪	۷	۱	
۸/۳٪	۱	۰	۰	۲	
۱۶/۶٪	۲	۳۳/۳٪	۴	دیپلم	سطح تحصیلات
۶۶/۶٪	۸	۶۶/۶٪	۸	کارشناسی	
۱۶/۶٪	۲	۰	۰	کارشناسی ارشد	
۱۶/۶٪	۲	۱۶/۶٪	۲	۱-۲	مدت ازدواج
۵۸/۳٪	۷	۵۰٪	۶	۳-۶	
۲۵٪	۳	۲۵٪	۳	۷-۱۰	

با توجه به مصاحبه اجرا شده، درون‌مایه‌های استخراج شده از شاخص‌های (سکون، مودت، رحمت) به این صورت است که سکون در میان زنان متقاضی طلاق، در سه حالت ارضای نیازهای اولیه (مثال: از نظر مالی اصلاً مشکل نداشتیم و همیشه همه چیز بوده)، عدم ارضای نیازهای اولیه (برای گذراندن امور مجبورم خودم کار کنم تا حداقل چیزی برا خوردن باشه؛ شوهرم معتاد و بی‌کار) و عدم ارضای نیازهای جنسی (چند ساله که ۷-۸ ماهی یکبار رابطه داریم؛ اون هم انگار فقط برای رفع تکلیفه. این هم نباشه بهتره، زجر آورم. مگه برا زن لذت هم داره؟) است. مودت در میان زنان متقاضی طلاق، در دو حالت عدم ابراز محبت کلامی (خیلی دوست داشتم شوهرم هم مثل مردای دیگه که قربون صدقه میرن و حرفای عاشقانه می‌زنند باشه. نه «خانمی» نه «عزیزم» هیچ موقع نمی‌گفت) و عدم ابراز محبت غیرکلامی (دوست دارم منو بغل بگیره، نوازش کنه؛ ولی اون خوشش نمیاد. مثل دو تا قطب همنام کنار هم نمی‌تونیم یک لحظه باشیم؛ چون پیش نیامده دستم رو بگیره و کنار هم بنشینیم. من این سرِ خونه‌ام و اون هم اون سرِ خونه. بهش می‌گم نیاز دارم منو بیوسی، میگه از این کارها خوشم نیما. احساس می‌کنه اگه تو جمع به من احترام بذاره بهش میگن: زن ذلیل) دیده می‌شود. شاخص رحمت در زنان متقاضی طلاق در این پژوهش دارای چهار حالت همیاری و مشارکت (موقع احتیاجم ازش می‌خوام و برام انجام میده)، عدم همیاری و مشارکت (وقتی مهمان داریم خرید همه چیز بر عهده خودمه و خودش هم مثل مهمان می‌شینه. پام شکسته بود دوستای شوهرم زیر بغلم رو گرفته بودن، اما اون از دور مسخره می‌کرد و می‌خندید) و بخشش (بفهمه اشتباه کردم شروع می‌کنه به

داد و بیداد کردن، ولی زود یادش میره) و عدم بخشش (اگه اشتباهی کنم دوباره همه اتفاق‌هایی که از اول ازدواجمون رخ داده رو تکرار می‌کنه و جلوی دوستاش هم می‌گه. اشتباهاتم از ذهنش پاک نمی‌شه) است. ابعاد سکون در زنان غیرمتقاضی طلاق در چهار حالت ارضای نیازهای اولیه (هیچ موقع از لحاظ مالی مشکلی نداشتیم و همه چیز مهیا بوده)، عدم ارضای نیازهای اولیه (زمان‌هایی پیش میاد که برای حداقل‌ها لنگ می‌مونیم)، ارضای نیازهای جنسی (گاهی آماده کردن به قدری طول می‌کشه که خودم درخواست می‌کنم رابطه رو شروع کنه. به همین خاطر هم رابطه جنسی اکثراً همراه با تجربه ارگاسم هست برام) و عدم ارضای نیازهای جنسی (با تمام تلاش همسر، همیشه به اوج لذت نمی‌رسم) دیده می‌شود.

مودت در زنان غیرمتقاضی طلاق در این پژوهش، در سه حالت ابراز محبت کلامی (شوهرم محبتش رو به زبون میاره و از کلمات عاشقانه تو صحبتاتش زیاد استفاده می‌کنه. با قربون صدقه رفتن و حرف‌های عاطفی که میزنه میخواند عشقتش رو به من نشون بده)، عدم ابراز محبت کلامی (خیلی دوست دارم بگه که دوستم داره، ولی میگه باید از کارهام بفهمی) و ابراز محبت غیرکلامی (با کادوهاش من رو سورپرایز می‌کنه و برای مراسم‌های مختلف اهمیت می‌ده و کادو حتماً می‌خره. دور از هم نمی‌نشینیم و در کنارش که هستم موهام رو نوازش می‌کنه و دستام تو دستش هست) دیده می‌شود. در نهایت، شاخص رحمت در زنان غیرمتقاضی طلاق در این پژوهش، در چهار حالت همیاری و مشارکت (الان که باردارم چون نمی‌تونم، کارهای خونه رو خیلی خوب انجام میده؛ مثلاً، جاروکردن و شستن سرویس بهداشتی. اگر کاری هم باشه که در توانم نباشه مثل جابجایی وسیله سنگین، قبل اینکه من بگم خودش انجام میده)، عدم همیاری و مشارکت (کمکم نمی‌کنه و خودم مسئول بچه‌هام حتی وقتی مریض باشم)، بخشش (شده که اشتباهی بزرگ کردم و فکر می‌کردم تا آخر عمر بزنه تو روم، اما الان بعد هفت سال، یکبار هم چیزی از اون موضوع بهم نگفته) و عدم بخشش (همسرم خیلی دیر می‌بخشه و از تکرار کاری اشتباه خیلی عصبانی می‌شه و عذرم رو قبول نمی‌کنه) دیده می‌شود.

در جداول ۳، ۴ و ۵، ابعاد سکون، مودت و رحمت در هر دو گروه متقاضی و غیرمتقاضی بررسی می‌گردد:

جدول ۳. جدول مقایسه بعد سکون در زنان متقاضی طلاق و زنان غیرمتقاضی

زنان غیرمتقاضی طلاق		زنان متقاضی طلاق		شاخص	سکون
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۷۵٪	۹	۵۰٪	۶	ارضای نیازهای اولیه	
۲۵٪	۳	۵۰٪	۶	عدم ارضای نیازهای اولیه	
۱۰۰٪	۱۲	۱۰۰٪	۱۲	مجموع	
۸۳٫۳٪	۱۰	۰٪	۰	ارضای نیازهای جنسی	
۱۶٫۶۶٪	۲	۱۰۰٪	۱۲	عدم ارضای نیازهای جنسی	
۱۰۰٪	۱۲	۱۰۰٪	۱۲	مجموع	

با توجه به جدول ۳ می‌توان دریافت درصد بیشتری از زنان غیرمتقاضی طلاق در این پژوهش، سکون را، چه از نظر ارضای نیازهای اولیه و چه از نظر ارضای نیازهای جنسی گزارش می‌کنند.

جدول ۴. جدول مقایسه ابعاد مودت در زنان متقاضی طلاق و زنان غیرمتقاضی طلاق

زنان غیرمتقاضی طلاق		زنان متقاضی طلاق		شاخص	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۷۵٪	۹	۰٪	۰	ابراز محبت کلامی	مودت
۲۵٪	۳	۱۰۰٪	۱۲	عدم ابراز محبت کلامی	
۱۰۰٪	۱۲	۱۰۰٪	۱۲	مجموع	
۱۰۰٪	۱۲	۰٪	۰	ابراز محبت غیرکلامی	
۰٪	۰	۱۰۰٪	۱۲	عدم ابراز محبت غیرکلامی	
۱۰۰٪	۱۲	۱۰۰٪	۱۲	مجموع	

جدول ۴ بیانگر این است که درصد بیشتری از زنان غیرمتقاضی طلاق در این پژوهش، مودت را (چه از نظر ابراز محبت کلامی و چه از نظر ابراز محبت غیرکلامی) گزارش می‌کنند.

جدول ۵. جدول مقایسه رحمت در زنان متقاضی طلاق و زنان غیرمتقاضی طلاق

زنان غیرمتقاضی طلاق		زنان متقاضی طلاق		شاخص	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۹۱/۶٪	۱۱	۱۶/۶۶٪	۲	همیاری و مشارکت	رحمت
۸/۴٪	۱	۸۳/۳۳٪	۱۰	عدم همیاری و مشارکت	
۱۰۰٪	۱۲	۱۰۰٪	۱۲	مجموع	
۹۱/۶٪	۱۱	۱۶/۶۶٪	۲	بخشش	
۸/۴٪	۱	۸۳/۳۳٪	۱۰	عدم بخشش	
۱۰۰٪	۱۲	۱۰۰٪	۱۲	مجموع	

با توجه به جدول ۵، می‌توان دریافت که بعد رحمت (هم از نظر همیاری و مشارکت و هم از نظر بخشش) در زنان غیرمتقاضی طلاق در این پژوهش، بیشتر است.

با بررسی جداول مزبور، می‌توان نتیجه گرفت که درصد کمتری از زنان متقاضی طلاق «سکون» را گزارش کرده‌اند و ضمناً هیچ یک از افراد این گروه ارضای نیاز جنسی را گزارش نکرده‌اند. با توجه به تعریف «مودت»، به نظر می‌رسد زنان متقاضی طلاق اصلاً مودت را درک نکرده‌اند و این در حالی است که اکثر قریب به اتفاق زنان غیرمتقاضی طلاق در این پژوهش، وجود مودت را گزارش کرده‌اند. همچنین بررسی و مقایسه بعد «رحمت» در میان زنان متقاضی طلاق و غیرمتقاضی در این پژوهش، حاکی از آن است که شاخص‌های رحمت (همیاری و مشارکت و بخشش) در زنان غیرمتقاضی طلاق کاملاً بارز است، درحالی‌که زنان متقاضی طلاق آن را خیلی کم گزارش نموده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه بررسی و مقایسه عملکرد خانواده از دیدگاه قرآن (سکون، مودت و رحمت) در میان

زنان متقاضی طلاق و زنان غیرمتقاضی شهر اراک بود. در سؤال اول پژوهش، که به بررسی تفاوت بین دو گروه از حیث سکون می‌پرداخت، نتایج نشان داد که میزان سکون، هم از لحاظ ارضای نیازهای اولیه و هم از لحاظ ارضای نیازهای جنسی در زنان غیرمتقاضی طلاق بیشتر بوده است. نتایج پژوهش حاضر در بعد ارضای نیازهای اولیه، به نوعی با پژوهش‌های حبیب‌پور و نازک‌تبار (۱۳۹۰)، ریحانی و عجم (۱۳۸۱)، ماتسورا و همکاران (۲۰۰۹)، مانس فیلد و همکاران (۲۰۱۳)، روییلا و کومار (۲۰۰۵)، سات و سپینتر (۱۹۸۶)، هافمن و دانکن (۱۹۹۵) همسو است.

نتایج این پژوهش‌ها نشان داد مشکلات و فشارهای اقتصادی از قبیل بیکاری، درآمد کم و فقدان ثبات شغلی و مانند آن موجب فشار، خصومت و تیرگی روابط زناشویی، رضایت کمتر از عملکرد خانواده و در نهایت، طلاق می‌گردد. در تبیین احتمالی این یافته‌ها، می‌توان گفت: در طول زمان، فشارهای مالی ارتباط زن و شوهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فشارها می‌تواند موجب گوشه‌گیری، فشار عاطفی و افسردگی در افراد شود. همچنین فقر موجب کاهش عزت‌نفس مرد می‌شود و در نتیجه، سبب بروز استبداد یا واکنش‌های مایوس‌کننده نسبت به دیگران، از جمله همسر می‌گردد، و این مسائل موجب تشدید تنش‌های زناشویی می‌شوند (یانگ و هافرت، ۱۹۹۸) و همان‌گونه که کانگر (۱۹۹۰) عنوان می‌کند، دوران سخت و محرومیت اقتصادی، تعاملات مثبت زوجین، به‌ویژه مردان را کاهش داده، آنان را به سمت طلاق سوق می‌دهد.

در تعالیم اسلام، زن و فرزندان واجب‌الفقه مرد شناخته می‌شوند؛ یعنی مرد باید هزینه‌های ضروری همسر، از جمله غذا، مسکن، لباس و حتی وسایل زینت و آرایش وی مانند عطر و خضاب را تأمین کند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «خوراک و پوشاک زنان به نحو متعارف بر شما واجب است» (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ص ۵۶۷).

همچنین در بعد ارضای نیازهای جنسی، نتایج پژوهش حاضر به نوعی با تحقیقات بوالهروی و همکاران (۱۳۹۱)، ساکریان و همکاران (۲۰۱۴)، فروتن و جدید میلانی (۱۳۸۷)، کیسا و همکاران (۲۰۱۴)، میلر و همکاران (۲۰۱۴)، علی‌اکبری و همکاران (۱۳۹۱) همخوان است. نتایج این تحقیقات نشان داد، مشکلات مربوط به رابطه جنسی می‌تواند تأثیرات سوئی بر تعهد زناشویی، سازگاری زناشویی و رضایت زناشویی بگذارد و سبب ایجاد مشکلات زناشویی و در نهایت، طلاق شود. همان‌گونه که کلارک و همکاران (۲۰۰۶) عنوان می‌کنند، هنگامی که غریزه جنسی انسان ارضا و از هیجان آن کاسته می‌شود، انسان به آرامش دست می‌یابد. چنانچه افراد با تشکیل خانواده نتوانند به مقاصد خود دست یابند و یا این دستیابی به نحو مطلوب انجام نشود، بنیان خانواده دچار تزلزل شده، همین می‌تواند منجر به گسیختگی زناشویی گردد (نعیمی، ۱۳۹۱). می‌توان نتیجه گرفت که اگر زن و شوهر از میزان رابطه جنسی

و کیفیت آن رضایت داشته باشند از زندگی خانوادگی خود نیز راضی خواهند بود؛ اما اگر از رابطه جنسی با همسر خود خرسند نباشند از زندگی خانوادگی نیز راضی نخواهند بود و یا اگر رضایت کلی باشد، همیشه زمینه اختلاف در زندگی آنان وجود دارد (حیدری، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳).

با ترک ازدواج و عدم ارضای غریزه جنسی، تعادل حیاتی انسان به هم خورده، به تعبیر روایات، به شرارت و پستی منجر می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۳۲۰). طبیعتاً اگر زوج‌های متقاضی طلاق توجه به این نیاز را مد نظر داشته باشند، کمتر دچار دل‌زدگی زناشویی و متقاضی طلاق خواهند شد.

نتایج این پژوهش حاکی از تفاوت چشمگیری بین دو گروه در بعد «مودت» است. زنان متقاضی طلاق در این پژوهش، به صورت صد در صد عدم ابراز محبت را، چه به صورت کلامی و چه به صورت غیرکلامی، از جانب همسر خویش گزارش کردند و این در حالی است که همه زنان غیرمتقاضی طلاق ابراز محبت غیرکلامی را گزارش کرده و قریب به اتفاق آنان ابراز محبت کلامی را نیز از جانب همسرشان عنوان نمودند. نتایج یافته‌های این پژوهش به نوعی، همسو با تحقیقات آسنت و همکاران (۲۰۱۴)، *النا* و همکاران (۲۰۱۱)، *گاتمن* (۱۹۹۶)، *خالسی* و همکاران (۱۳۹۳)، *دانش* و *حیدریان* (۱۳۸۵) و *آسوده* و همکاران (۲۰۱۱) است. در تبیین احتمالی این یافته‌ها، می‌توان گفت: آنچه سبب ناکارآمدی خانواده و درنهایت، طلاق رسمی و طلاق عاطفی می‌شود، نبود یا کمبود محبت بین اعضای آن است. وقتی محبت نباشد اعضای خانواده به خانواده و یکدیگر دلبستگی پیدا نمی‌کنند و از نظر روانی، جدای از یکدیگر زندگی می‌کنند و در نتیجه، عملکرد خانواده و کارایی آن به ناکارآمدی تبدیل می‌شود (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر به کسی علاقه و محبت داشتی او را آگاه کن» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۸۱).

زنان متقاضی طلاق در این پژوهش، اذعان داشتند که روابط همسرشان، چه به صورت کلامی و غیرکلامی کمتر یا فاقد محبت بوده است. طبیعتاً انتقال ندادن محبت و علاقه، عشق و میل به همسر، چه با زبان و چه با اندام، به تدریج موجب فرسایش روابط زندگی زناشویی می‌شود و این فرسایش رفته‌رفته باعث سردی زندگی می‌گردد و سپس زوجین را به جدایی و طلاق مجاب می‌کند. آنچه یک رابطه را زنده نگه می‌دارد و در واقع، مایه تداوم آن است وجود محبت و ابراز آن، هم به صورت کلامی و هم غیرکلامی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵).

هر قدر مودت عمیق‌تر باشد، توان و تحمل افراد بیشتر می‌شود و هر چه گسترده‌تر باشد، رفتارها مناسب‌تر می‌گردد. زنی که از جانب شوهرش محبت ببیند و بداند برای او ارزشمند و محترم است، این

دریافت توجه به عنوان یک عامل انگیزشی عمل نموده، سبب می‌شود مشکلاتی همچون فقر، اعتیاد همسر و سایر مسائل مشابه نتواند رابطه آنان را به سادگی تخریب کند و کماکان رابطه حفظ می‌گردد. همین امر می‌تواند رابطه بین زوجین را در شرایطی که مسائل جنسی از هیجان رنگ باخته همچنان محکم نگاه داشته، مانند سپری در برابر فروپاشی رابطه عمل نماید. در واقع، این سرمایه محبت است که امید به ادامه زندگی مشترک را با وجود عوامل تهدیدکننده موجب می‌شود. این روند را بدین صورت می‌توان توجیه نمود که ابراز محبت همچون اهرمی در رابطه دوسویه زوجین عمل می‌کند. ابراز محبت مرد به همسرش از یک سو، زن را به ادامه زندگی مصمم‌تر می‌کند و از سوی دیگر، موجب تقویت واکنش مرد شده، موجب می‌گردد مرد نه تنها از محبتش کاسته نشود، بلکه سعی در افزایش آن داشته باشد. بدین‌سان، این چرخه مثبت با بازخوردهای متقابل تقویت می‌شود و چنانچه مشکلی به‌وجود آید هر دو به اتفاق یکدیگر، همچون عامل نیرومندی عمل می‌نمایند و نوعی واکنش بهینه در پاسخ به مشکل رخ می‌دهد؛ چرا که در این شرایط، زوجین هنگام رویارویی با مشکل در کنار هم قرار می‌گیرند و نه در مقابل هم. چرخه یاد شده در خانه‌ای که ابراز محبت در آن رنگ باخته معکوس عمل می‌کند، و در این حالت، وقتی زن و شوهر در مقابل هم باشند مسائل پیش آمده قدرت نفوذ بیشتری را در جهت اختلال رابطه پیدا می‌کند و حتی اگر یک طرف مقاومت کند، وقتی فشار مسائل زیاد گردد، چون منبعی که بتوان از آن در جهت ترمیم و بازسازی رابطه بهره برد وجود ندارد، اوضاع در جهت فروپاشی رابطه پیش می‌رود. خلاصه آنچه که در ازدواج‌های پریشان وجود ندارد، ابراز محبت و توجه است.

نتایج پژوهش حاضر نمایانگر وجود تفاوت بین زنان متقاضی طلاق و زنان عادی از لحاظ «رحمت» است. زنان غیرمتقاضی طلاق میزان بیشتری از همیاری و مشارکت و بخشش را از جانب همسر خود گزارش می‌کنند. یافته‌های پژوهش حاضر در بعد بخشندگی، همسو با تحقیق فینچام و استون (۲۰۰۴)، باسکین و اینرایت (۲۰۰۴)، فینچام و همکاران (۲۰۰۲)، اورتینکال و وانستین و گن (۲۰۰۶)، رحیمی و همکاران (۲۰۱۴)، خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۱)، و در بعد همیاری و مشارکت، همسو با پژوهش‌های اقدامی و حسین چاری (۱۳۸۷) و پورنقاش (۱۳۸۴) است.

در بحث «مودت»، عنوان شد که مودت رابطه‌ای دوسویه است و «محبت در برابر محبت» صورت می‌گیرد و زن و مرد هر دو با هم در این بده-بستان عاطفی نقش دارند که در نهایت، موجب تقویت رابطه می‌گردد. اما «رحمت» امری یک‌جانبه و ایثارگرانه است؛ یعنی هرگاه هر یک از زن و مرد دچار ضعف و نقص یا مشکلی شوند، همسرش باید مشکل و احساس درونی او را درک کند و ایثارگرانه به

کمک او بشتابد، یا اگر خطا و اشتباهی را مرتکب شد به جای تنبیه و انتقام‌جویی، با روحیه رحمت و عفو و اغماض برخورد نماید (افروز، ۱۳۸۷، ص ۲۷). در واقع، رحمت ثمره یک رابطه عاطفی به کمال رسیده است؛ بدین صورت که در آن، قاعده «این در برابر آن» وجود ندارد و زوجین بدون هیچ چشم‌داشتی و در واقع، بدون تقویت فوری در صورت مشاهده ضعف یا مشکل در همسر خود، به صورت یک‌طرفه اقدام می‌کند. چون این اقدام، یعنی همیاری و مشارکت در مواقعی همچون ناتوانایی یکی از زوجین رخ می‌دهد، تأثیر عمیقی بر فرد مورد عطف واقع شده می‌گذارد و او سعی می‌کند پس از رفع نقص و نیاز، به جبران محبت پردازد و چه بسا ممکن است درجه‌ای بالاتر از مهر و محبت را نشان دهد. در نهایت، استمرار این چرخه مثبت و روند صعودی آن در طول زمان، به صورت غیرمستقیم سبب بهبود رابطه می‌گردد. مصداق دیگر رحمت، «بخشش» است که ظاهراً با این سازوکار عمل می‌کند: بخشش می‌تواند هم بر بخشنده و هم بر خطاکار به صورت جداگانه تأثیر مثبت بگذارد.

بخشش نوعی تأثیر روانی عمیق بر خاطی می‌گذارد و چون رفتار خطا جدا از خود فرد در نظر گرفته شده و کل شخصیتش با یک نمود رفتاری زیر سؤال نمی‌رود، حرمت نفس خطاکار حفظ شده، همچنان مرزبندی و حریم بین زوجین باقی می‌ماند و آسیب جدی نمی‌بیند. بخشش در خطاکار نوعی حس ارزشمند بودن نزد همسرش ایجاد می‌کند، با وجود اینکه خطا انجام داده است و در نتیجه، حس دوست داشتن همسر در وجودش پررنگ‌تر می‌شود و به دنبال آن، خاطی نه تنها به صورت آگاهانه‌ای تلاش می‌کند تا خطا تکرار نشود، بلکه در سطوح بالاتر، سعی در جبران این رفتار با رفتار محبت‌آمیز دیگری می‌کند.

بخشندگی و احساس لذت حاصل از آن در طولانی مدت، نوعی آرامش خاطر برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ زیرا ویژگی خودکنترلی می‌تواند در ابعاد گوناگون زندگی تجلی پیدا کند و مانع رفتار هیجانی آسیب‌زا در روابط گردد. بخشندگی سازوکاری در خطاکار ایجاد می‌کند که سبب دقت بیشتر در رفتار او و عدم تکرار اشتباه می‌شود و در سطحی بالاتر، جبران این بخشش با عملی مثبت با هدف جلب رضایت همسر صورت می‌گیرد. وقتی بخشنده با رفتار مثبت همسرش مواجه می‌شود نسبت به درستی واکنش خود در برابر خطای صورت گرفته اطمینان خاطر پیدا کرده، احتمال تکرار آن در مواقع دیگر افزایش می‌یابد. در نهایت، این چرخه‌های مثبت تقویتی سبب بهبود روابط و کاهش تعارض‌ها شده و در نتیجه، با وجود احتمال اشتباه، آسیب جدی به روابط وارد نمی‌شود و کماکان جو خانه آرام می‌ماند. در این فضای به دور از تشنج، عملکرد بهتری صورت می‌گیرد و شرایط رو به بهبودی می‌رود. همان‌طور که باکوس (۲۰۰۹) عنوان می‌کند، توانایی بخشش همسر می‌تواند به عامل پابرجایی رابطه و

افزایش رضایت زناشویی منجر گردد. در مقابل، در شرایطی که خاطی آماج حمله کلامی قرار می‌گیرد، نه تنها امکان رفتار صحیح مختل می‌شود، بلکه نوع واکنش به خطا، رابطه عاطفی زوجین را خدشه‌دار می‌کند که خود این امر، زمینه تعارض‌های بیشتر در آینده می‌گردد. علاوه بر آن، امکان اصلاح خاطی کاهش می‌یابد. در این سیر نزولی منفی، روابط ضعیف و ضعیف‌تر می‌گردد و هر قدر روابط عاطفی ضعیف‌تر گردد احتمال بروز واکنش شدیدتر به خطاها افزایش پیدا می‌کند. اگر زن و شوهر در قبال خطاهای یکدیگر کمی اغماض و بخشش داشته باشند قدرت و عملکرد رابطه زناشویی‌شان بیشتر خواهد شد. بنابراین، بخشش، ایثار و رحمت در روابط زناشویی، نوعی تربیت غیرمستقیم به‌شمار می‌آید که موجب اصلاح طرف مقابل می‌شود و محیط خانه آرامش‌بخش می‌شود و به قول قرآن «لتسکنوا الیها» برای زوجها محقق می‌گردد.

نتایج پژوهش حاضر علاوه بر مفید بودن برای زن‌های متقاضی طلاق، فایده بسیاری برای مشاوران خانواده در مرحله قبل از ازدواج، زناشویی و طلاق دارد که درمانگران خانواده نباید اهمیت توجه به عملکرد خانواده با مفاهیم قرآنی و باور مذهبی را از نظر دور بدارند و از این الگو برای کمک به زوجین مشکل‌دار و متقاضی طلاق بهره‌گیرند و از این طریق، اثربخشی درمان خود را افزایش دهند و پربارسازی کیفیت روابط خانواده را بیشتر کنند.

در این پژوهش، فقط زنان شرکت داشتند که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، از هر دو جنس به‌عنوان مشارکت‌کننده بهره‌برده شود تا امکان مقایسه بین زنان و مردان در این رابطه فراهم گردد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی و تحلیل محتواست و هدف آن بررسی و آشنایی با عملکرد خانواده در بین نمونه محدودی بود. بنابراین، تعمیم داده‌ها باید با احتیاط صورت گیرد. در پژوهش حاضر، فقط از یک روش برای ارزیابی عملکرد خانواده (مصاحبه نیمه ساختار یافته) استفاده شده است که پیشنهاد می‌شود عملکرد خانواده از دیدگاه قرآن (آیه ۲۱ سوره روم) به صورت پرسش‌نامه در آید و بدین‌سان، با روش کمی و با تعداد نمونه بیشتری تحقیق صورت گیرد. با توجه به محدودیت‌های فرهنگی جامعه و پرسش مستقیم مصاحبه‌گر درباره مسائل جنسی از شرکت‌کنندگان، امکان دارد اطلاعات از سوی شرکت‌کننده‌ها تحریف شده باشد. پیشنهاد می‌شود از روش‌هایی در تحقیق استفاده شود که امکان تجزیه و تحلیل آماری به روش پارامتریک را داشته باشند تا یافته‌ها دقیق‌تر و با اعتبار بیشتری تفاوت بین گروه‌ها را نشان دهد. همچنین پیشنهاد می‌شود نمونه‌گیری با مشارکت افرادی صورت گیرد که با مسائلی مثل اعتیاد، یا درآمدهای پایین، بیماری یکی از زوجین، خانواده‌های بدون فرزند و یا مشکلات دیگر صورت گیرد؛ خانواده‌هایی که همچنان در حال ادامه زندگی مشترک هستند و مستعد طلاق نیستند.

منابع

- افروز، غلامعلی، ۱۳۸۷، *همسران برتر*، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- اقدامی، زهرا و مسعود حسین چاری، ۱۳۸۷، «تأثیر دشواری کار زنان شاغل و همکاری همسران در امور منزل بر رضایت از روابط زناشویی و اختلال رفتاری فرزندان»، *مطالعات زنان*، سال ششم، ش ۱، ص ۵۳-۶۹.
- آقانهانی، مرتضی و محمدباقر حیدری کاشانی، ۱۳۹۲، *خانواده و تربیت مهدوی*، چ هفتم، قم، کتاب یوسف.
- بارکر، فیلیپ، ۱۳۸۲، *خانواده‌درمانی پایه*، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی، تهران، رشد.
- بخشی‌پور، باب‌الله و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال سیزدهم، ش ۲، ص ۱۱-۲۱.
- بندر ریگی، محمد، ۱۳۶۶، *فرهنگ جدید عربی-فارسی*، ترجمه منجد الطالب، تهران، اسلامی.
- بوالهروی، جعفر و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی برخی علل منجر به طلاق در زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهران»، *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، سال هشتم، ش ۱، ص ۸۳-۹۳.
- بهاری، فرشاد و سیدمهدی صابری، ۱۳۸۳، «مقایسه عملکرد خانوادگی زوج‌های در حال طلاق ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی و زوج‌های غیرمطلقه»، *مجله علمی پزشکی قانونی*، ش ۳۴، ص ۷۵-۷۹.
- بیرامی، منصور و همکاران، ۱۳۹۱، «پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایزیافتگی»، *اصول بهداشت روانی*، سال چهاردهم، ش ۱، ص ۶۴-۷۷.
- پورنقاش‌تهرانی، سیدسعید، ۱۳۸۴، «بررسی خشونت خانوادگی در خانواده‌های تهرانی»، *دانش و رفتار*، سال دوازدهم، ش ۱۳، ص ۲۳-۳۶.
- ثنائی، باقر و همکاران، ۱۳۸۷، *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*، تهران، بعثت.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *زن در آینه جلال و جمال*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۸، *تفسیر موضوعی قرآن کریم: جامعه در قرآن*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۱، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۳، *خانواده متعادل و حقوق آن*، قم، اسراء.
- حبیب‌پور، کرم و حسین نازک‌تبار، ۱۳۹۰، «عوامل طلاق در استان مازندران»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال چهاردهم، ش ۵۳، ص ۸۷-۱۲۷.
- حر عاملی، محمدحسن، ۱۴۰۳، *وسائل الشیعه*، تهران، مکتب الاسلامیه.
- حسینی، اکرم، ۱۳۸۳، «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی»، *شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، سال هفتم، ش ۲۶، ص ۸۲-۴۶.

خالدی، شنیدا، و همکاران، ۱۳۹۳، «عوامل حفاظت‌کننده ازدواج در افراد متأهل دارای عوامل خطر»، *خانواده‌پژوهی*، سال دهم، ش ۳۷، ص ۳۱-۴۵.

خدایاری‌فرد، محمد و همکاران، ۱۳۸۱، «روش درمانی عفو و گذشت با تأکید بر دیدگاه اسلامی: بررسی موردی»، *اندیشه و رفتار*، سال هشتم، ش ۱، ص ۳۹-۴۸.

دانش، عصمت و مریم حیدریان، ۱۳۸۵، «رابطه علاقه و احترام متقابل با رضایت زناشویی همسران در شهرستان قم»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۵۹-۷۶.

دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۵، «جلوه‌های اصل مودت و رحمت در سیره خانوادگی پیامبر اعظم (ص)»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه رضوی (آموزه‌های قرآنی)*، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۳-۱۶.

رازی، فخرالدین، بی‌تا، *تفسیر الکبیر*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

ریحانی، طیبه و محمود عجم، ۱۳۸۱، «بررسی علل طلاق در شهر گناباد»، *افق دانش*، سال هشتم، ش ۲، ص ۹۶.

زاده‌محمدی، علی و غفار ملک خسروی، ۱۳۸۵، «بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش عملکرد خانواده (FAD)»، *خانواده‌پژوهی*، سال پنجم، ش ۲، ص ۸۹-۶۹.

زهراراک، کیانوش و فروغ جعفری، ۱۳۹۰، *مشاوره خانواده: مفاهیم، تاریخچه، فرایند و نظریه‌ها*، چ دوم، تهران، ارسباران.

ساروخانی، باقر، ۱۳۷۷، *طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن*، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.

سالاری‌فر، محمدرضا، ۱۳۸۸، *درآمدی بر نظام خانواده در اسلام*، قم، نشر هاجر.

شاه سیاه، مرضیه و همکاران، ۱۳۸۸، «بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا»، *اصول بهداشت روانی*، سال یازدهم، ش ۳، ص ۲۳۳-۲۳۸.

شفیع‌آبادی، عبدالله و همکاران، ۱۳۸۹، «اثربخشی آموزش رویکرد هیجان‌مدار بر رضایت جنسی زوجین»، *اندیشه و رفتار*، سال چهارم، ش ۱۵، ص ۵۹-۷۰.

صفورایی‌پاریزی، محمدهدی، ۱۳۸۸، «اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده»، *معرفت اخلاقی*، سال اول، ش ۱، ص ۹۱-۱۱۸.

طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

عبدی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۱، «مقایسه توانایی‌های همدلی و ذهن‌خوانی در زوجین متقاضی طلاق و گروه عادی»، *اندیشه و رفتار*، سال هفتم، ش ۲۵، ص ۶۷-۷۶.

علی‌اکبری‌دهکردی، مهناز و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه عملکرد جنسی با سازگاری زناشویی در زنان متأهل»، *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، سال بیستم، ش ۸، ص ۸۷-۹۸.

فروتن، کاظم و مریم جدید میلانی، ۱۳۸۷، «بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع

قضایای خانواده»، *دانشور پزشکی*، ش ۷۸، ص ۳۹-۴۴.

فیروزآبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب، بی تا، *القاموس المحیط*، بیروت، دارالجلیل.

قمری گیوی، حسین و همکاران، ۱۳۹۱، «مقایسه هیجان‌خواهی و عملکرد خانواده در افراد مطلقه، حین طلاق و عادی»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ش ۷، ص ۵۱۹-۵۳۶.

کدیور، پروین و همکاران، ۱۳۸۳، «بررسی رابطه ساختار تعاملات خانواده (عملکرد خانواده) با سبک‌های مقابله با فشارهای روانی و تفاوت‌های جنسی در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی»، *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ش ۳۴ (۲)، ص ۹۷-۱۲۳.

محدثی، جواد، ۱۳۸۸، *اخلاق معاشرت*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغ اسلامی.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷، *میزان الحکمه*، قم، دارالحدیث.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر.

مکارم‌شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، *احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی*، قم، کتابخانه شیعه.

مکارم‌شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۱، *تفسیر نمونه*، چ بیست و پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مینوچین، سالوادور و اچ چارلز فیشمن، ۱۳۸۴، *فنون خانواده درمانی*، ترجمه فرشاد بهاری و فرح سیا، تهران، رشد.

نظری توکلی، سعید، ۱۳۸۹، «بررسی نسبت میان پوشش بانوان و استحکام خانواده در آموزه‌های دینی»، *مطالعات اسلامی: فقه و اصول*، ش ۴۲، ص ۱۵۳-۱۸۴.

نعیمی، محمدرضا، ۱۳۹۱، «مشکلات جنسی و طلاق (مورد مطالعه: استان گلستان)»، *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، سال دوم، ش ۴، ص ۷۹-۹۴.

یوسفی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۹، «مقایسه طرح واره‌های ناسازگار اولیه در همسران مطلقه و عادی به عنوان پیش‌بینی‌کننده طلاق»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ش ۱۶ (۱)، ص ۲۱-۳۳.

Al-Krenawi, A, 2012, A study of psychological symptoms, family function, marital and life satisfactions of polygamous and monogamous women: The Palestinian case, *International Journal of Social Psychiatry*, v. 58(1), p. 79-86.

Asante, Kwaku, et al, 2014, An Exploratory Study of Factors Contributing to Divorce Among Married Couples in Accra, Ghana: A Qualitative Approach, *Journal of Divorce & Remarriage*, v. 55(1), p. 16-32.

Asoodeh, M, et al, 2011, Iranian Successful Family Functioning: Communication, *Social and Behavioral Sciences*, v. 30, p. 367-371.

Backus, L.N, 2009, *Establishing links between desecration, forgiveness and marital quality during pregnancy*, Master of arts dissertation, graduate college of Bowling green State University.

Baskin, T, & Enright, R, 2004, Intervention studies on Forgiveness: A metanalysis, *Journal of counseling and Development*, v. 84, p. 12-79.

- Clark-Stewart, A, & Brentano, C, 2006, *Divorce. New Haven*, CT: Yale University Press.
- Conger, C, 1990, Linking Economic hardship to marital quality and instability, *Journal of marriage and the family*, v. 52(3), p. 643-656.
- Elana C, et al, 2011, Conflict and Love: Predicting newlywed marital outcomes from two interaction context, *Journal of Family Psychology*, v. 25(4), p. 541-550.
- Fincham, F. D, & Steven, R. H, 2004, Forgiveness and conflict Resolution in marriage, *Journal of family Psychology*, v. 18, p. 72-81.
- Fincham, F, et al, 2002, Forgiveness in marriage: the role of relationship quality, attributions and empathy, *Journal of Personal relationship*, v. 9, p. 23-37.
- Gautam, Sh, & Batra, L, 1996, Sexual behaviour and dysfunction in divorce seeking couples, *Indian J Psychiatry*, v. 38(2), p. 109-116.
- Gottman, G.M, & Levenson, R.W, 2000, The timing of divorce. Predicting When Couple Will divorce over a Year Period, *Journal of Marriage and the family*, v. 62, p. 737-745.
- Henry, R, & Miller, R, 2004, Marital problems occurring in midlife: Implication for couple therapists, *The American Journal of Family Therapy*, v. 32, p. 405-417.
- Hoffman, S. d, & Duncan, G. J, 1995, The Effect of Incomes, Wages, and AFDC Benefits on Marital Disruption, *Journal of Human Resources*, v. 30 (1), p 19-41.
- Kisa, S, et al, 2014, Quality of Sexual Life and Its Effect on Marital Adjustment of Turkish Women In Pregnancy, *Journal of Sex & Marital Therapy*, v. 40 (4), p. 309-322.
- Linley, P. A, & Joseph, S, 2004, *Positive Psychology in Practice, Hoboken*, New Jersey: John Wiley & Sons.
- Mansfield, A. K, et al, 2013, Family Functioning and Income: Dose Low-Income Status Impact Family Functioning? *Family Journal*, v. 21 (3), p. 297-305.
- Matsuura, H, et al, 2009, Social factor's Analysis of Japanese Divorce, *International Journal of Biomedical Soft Computing and Human Sciences*, v. 15(2), p. 41-47.
- Miller, R.B, et al, 2003, Problems that couples bring to therapy: A view across the family life cycle, *The American Journal of family therapy*, v. 31, p. 395-407.
- Miller, R, et al, 2014, Marital problems and Marital Satisfaction Among Brazilian Couples, *Journal of family Therapy*, v. 42(2), p. 153-166.
- Orthinkel, Jose & Vansteenwegen, Alfons, 2006, The Effect of Forgiveness on Marital Satisfaction in Relation to Marital Stability, *Contemp Fam Ther*, v. 28, p. 251-260.
- Rahimi, Asil, et al, 2014, The Effectiveness of Forgiveness Based Consultancy on Marital of Women with Severe Conflicts Referring to Court in Koohdasht Town. Bulletin of Environment, *Pharmacology and Life Sciences*, v. 3(4), p. 13-19.
- Robila, M, & Krishna Kumar, A, 2005, Effect of economic pressure on marital conflict in Romania, *Journal of family Psychology*, v. 19 (2), p. 246-251.
- Shakerian, ata, et al, 2014, Inspecting the relationship between Sexual Satisfaction and Marital Problems of Divorce-asking Women in Sanandaj City Family Courts, *Social and Behavioral Science*, v. 114, p. 327-333.
- South, S. J, & Spitze, G, 1986, Determinants of Divorce over The Marital Life course, *American Sociological Reviess*, v. 51 (4), p. 583-590.
- Yeung, J, & Hofferth, S, 1998, Family adaptations to income and job loss in the U. S, *Journal of Family and Economic Issues*, v. ۱۹ (۳), p. ۲۰۰-۲۸۳.